

## مريض روحى خانواده ما

بچه خاله ما مير عبدالرحيم عزيز باز دچار حمله مرض ساديزم و عقده حقارت شده و در سايت جرمن آنلاين در حق دو بزرگوار يعنى داکتر روان فرهادى و داکتر رهين که عمرى را در پاکی و صداقت و خدمت به وطن گذشتانده اند گستاخى و بى ادبى کرده است. بچه خاله مريض ما نوشته که در یک محفل خانگى در برابر اعتراض کسى بنام نبى مصداق داکتر رهين شرمنده و رنگ پريده شد. من خبر ندارم که اين طور محفلى بوده يا نبوده، اما اين را مى دانم و همه هموطنان در داخل و خارج هم مى دانند که در لويه جرگه شش سال پيش وقتى داکتر رهين به جواب یک نفر اعتراض کننده ايستاده شد و با منطق قوی جواب دندان شکن داد نه تنها کسى در برابر او آه نکشيد بلکه همه برايش چک چک کردند. همين دو سال پيش در برابر صداهائى که از طرف دو سه نفر مقابل او در پارلمان بلند شد او چنان با متانت و سنگينى به آن ها جواب داد که آن اشخاص جز سکوت عاجزانه چاره نداشتند. پس وقتى که او با شهامت و متانت در برابر لويه جرگه و پارلمان گپ مى زند و همه حتى چند نفر مخالف به او احترام مى گذارند چطور ممکن است که در یک محفل خانگى در مقابل یک شخص معمولى شرمنده و رنگ پريده شود. بچه خاله جان دروغ شاخدار مى گوئى. اينکه گفته اى که دوستان داکتر رهين در انجمن صلح و دموکراسى بتو چه گفته اند، اين را هم دروغ مى گوئى براى اينکه اولاً داکتر رهين هيچ قوم افغانستان را به بدى ياد نکرده و نمى کند و به کورى چشم تو همه قوميت هاى افغانستان شاهد خدمات صادقانه او هستند و به او احترام مى گذارند، ديگر اينکه کسانى که در انجمن صلح و دموکراسى براى افغانستان هستند

شخصیت های محترم می باشند و فکر نمی کنم با آدم پیش پا افتاده ئی مثل تو هم صحبت شوند. این گفته تو که داکتر رهین در برابر رئیس جمهور پشتون زانو می زند از روی کمال نادانی و جهالت توست ، چون در کابل همه می دانند که گفتار و رفتار داکتر رهین همیشه با شجاعت و شهامت همراه است و برای او این قوم و آن قوم فرقی ندارد. این را از هر کسی که از کابل می آید می توانی بپرسی ، اگر چه خودت خوب می دانی ولی بغض و مریضی سادیزم ترا وادار به گستاخی و دروغگوئی می سازد . البته این ضرب المثل را هم شنیده ای که دریا به لق لق سگ مردار نمی شود.

تو کمبخت مریض روحی به خاطر مشکل عقلی و عصبی و عقده شخصی ات کوشش می کنی که هر تهمت و بدگوئی از جمله تهمت جاسوسی به ایران پاکستان ، امریکا و روسیه و هند را که به زبان ناپاکت می آید در حق داکتر رهین بگوئی. بی خبر از اینکه مردم چشم و گوش دارند و مزخرف گوئی کسی مثل تو احترام او را نزد مردم بیشتر می سازد . اینکه گفته ای داکتر رهین پولدار شده باید بگویم که دلم بحال اینقدر عقده مندی ات می سوزد. زندگی داکتر رهین را در کابل و در امریکا همه کس دیده و شخصیت او را هم همه می شناسند و می دانند که با همه امکاناتی که در اختیار او بوده و هست هیچوقت دلبسته مال دنیا نبوده است. درباره من نوشته ای که گل مکی مریض و ناتوان است . راست گفتمی اما الحمدلله مثل تو به مرض سادیزم و عقده حقارت گرفتار نیستم . مخصوصاً بعد از این که چندی پیش (بعد از بعضی مسایل؟! ) در تشناب خانه ات دچار حمله عصبی شدی و سرت به دیوار خورد و دو روز درشفاخانه بودی، معلوم می شود که مریضی ات بیشتر شده.

خوشحالم که تو مرا از خانواده خود نمی دانی . برای اینکه تو به میوه گنده درختی می مانی که از یک شاخه پاک آویزان باشد. تو در معنی ازین خانواده نیستی و به همین دلیل نزدیک ترین کسانت هم از تو بیزارند.

خواننده محترم! غرض از ضایع کردن وقت خود و وقت شما این بود که بدانید که بچه خاله مریض عقلی و عصبی ما در حق پسر خاله اش داکتر رهین که از زمان طفلی مقابل او عقده حقارت دارد و نیز در برابر داکتر روان فرهادی به نام خود و نام های مستعار مطالب پوچ و بی معنی و دروغ می نویسد . هر جا که چنین نوشته ئی به هر نام که دیدید ، بدانید که بچه خاله ما میر عبدالرحیم عزیز آن را نشخوار کرده است یعنی کسی که ارزش برابری با بند بوت آن بزرگان را ندارد . من مریضم و دیگر حوصله جواب دادن به مزخرف گوئی های تکراری او را ندارم.